Mustafa II (132197) 23 ŞUBAT 2012

به بهانهٔ این‌که عثمانی‌ها نتوانسته‌اند در مناطقی از والاکیا امنیت برقرار کنند، از قرارداد متارکه سر باز می‌زد. همین امر دو دولت را به نبردی دیگر کشاند. اگرچه نبردهای پراگنده به مدت پنج سال ادامه داشت، اما دو طرف به سبب مشکلات داخلی و خارجی، نگاه خود را از درگیری بازگردانده بودند. بالاگرفتن اختلاف میان سران شورشی، از آن شمار درگیری‌های میان شیخ‌الاسلام عطاءالله‌افندی و وزیراعظم، چلبی‌مصطفی‌پاشا، و همچنین اوضاع بالکان حکومت را ناتوان کرده بود. در این گیرودار، مصطفی‌پاشا بیرق‌دار که از طرف‌داران نظام جدید بود، در روسچوک/روسچوق (بلغارستان) هواخواهان نظام جدید را پیرامون خود گرد آورد. وی به سوی ادرنه روان شد و سپس با نیروهایی به فرماندهی وزیراعظم به استانبول رفت. در ۱۲۲۳ق، بیرق‌دار با گرفتن مهر سلطنتی از وزیراعظم، خود ادارهٔ کشور را در دست گرفت. سپس با لشکریان خود به سوی کاخ شاهی رفت. «آنان در مقابل قصر اجتماع کردند و بیرق‌دار موافقت علما را برای بازگرداندن سلیم [سوم] به سلطنت جلب کرد و سپس از مصطفی چهارم خواست تا خود را تسلیم کند. این درنگ برای آنان بسیار گران تمام شد.» چراکه مصطفی که تاج‌وتخت خود را در خطر می‌دید، غلامان کر و لال خود را مأمور کرد تا سلیم سوم و برادرش، محمود دوم، را به قتل آورند، تا وی که تنها بازماندهٔ دودمان عثمانی بود از مرگ حتمی نجات یابد. غلامان موفق شدند پس از یک کشمکش کوتاه، سلیم سوم را خفه کنند، اما در این فاصله شاهزاده‌محمود توانست به کمک برخی از سپاهیان و مادر فرانسوی‌اش، امه، از پشت‌بام قصر فرار کند و خود را به مصطفی بیرق‌دار برساند. مصطفی بیرق‌دار پس از شنیدن خبر کشته شدن سلیم سوم، مصطفی چهارم را از تخت پایین کشید و برادرش محمود را به پادشاهی برداشت (۱۲۲۳ ق). مصطفی چهارم چندی زندانی بود تااین‌که به فرمان محمود دوم کشته شد (۱۲۲۳ ق). پیکرش را در جوار آرامگاه پدرش، در ینی‌جامع به خاک سپردند. در دورهٔ کوتاه فرمانروایی مصطفی چهارم هیچ‌گونه رویداد مهمی رخ نداد و مبارزه و مخالفت با نظام جدید، اصلاحات، نهادهای آموزشی و پرورشی و مدرسه‌ها، از اقدامات منفی او بود.

منابع: تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکهٔ جدید، ۴۷۳/۱ - ۴۷۷؛ تاریخ امپراطوری عثمانی، ۳۵۹۶/۵، ۳۶۲۹، ۳۶۳۶، ۳۶۴۰، ۳۶۴۶؛ تاریخ عثمانی، در صفحات فراوان؛ روضة‌الصفا، ۴۳۸/۹، ۴۵۹؛ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ۲۴۰؛ سفارتنامه‌های ایران، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳؛ فرمانروایان شاخ زرین، ۱۱۷، ۱۱۸؛ قاموس‌الاعلام، ۶/ ۴۳۱۲؛ قرون عثمانی، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۱؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۱۸۲، ۵۱۵؛

Encyclopaedia of Islam, 7/709 ; *İslam ansiklopedisi*, 8/ 708-714.

معصومی

مصطفی دوم عثمانی (mos.ta.fā.do.vom-e.os.mā.ni)، فرزند محمد چهارم، ۱۰۷۴ - ۱۱۱۵ ق، بیست‌ودومین پادشاه امپراتوری عثمانی (۱۱۰۶ - ۱۱۱۵ ق/۱۶۹۵ - ۱۷۰۳م). در جوانی بیش‌تر وقتش را به همراه برادرش، احمد سوم، به سوارکاری، شعر، موسیقی و باده‌گساری می‌گذراند. سیدفیض‌الله‌افندی مشاور و مربی دیرینهٔ او بود و در ۱۱۰۶ ق به مقام شیخ‌الاسلامی منصوب شد. وی که می‌کوشید با ایجاد اصلاحاتی در طبقهٔ علما، پشتیبانی آنان از مصطفی را جلب کند، در مقام دستیار اجرایی سلطان توانست قدرت و نفوذ خود را در ادارهٔ حکومت، افزایش دهد. سپس با سرگرم کردن مصطفی به خوش‌گذرانی‌های دیرینهٔ حرم و با خیال تازهٔ او برای یورش به اتریش، سلطهٔ خود را تداوم بخشید. هنگامی که جبههٔ نبرد با ونیز دچار رکود شده بود، مصطفی سه نبرد مهم با اتریشی‌ها به راه انداخت (۱۱۰۷ - ۱۱۰۸ ق). وزیراعظم، علی‌پاشا، در پی شورش ینی‌چری‌ها به قتل آمد و وزیراعظم جدید، الماس محمدپاشا (- ۱۱۰۹ ق)، فرماندهی لشکر عثمانی را به دست گرفت. در ۱۱۰۸ ق سپاه عثمانی از لشکریان اتریشی به فرماندهی یوجین ساوی، در سنتا/زنتا در نزدیکی تایس، شکست سنگینی خورد و الماس‌محمدپاشا نیز کشته شد. در این هنگام، پطرکبیر (۱۱۰۰ - ۱۱۳۷ ق) طرح سیطره بر دریای سیاه را که نخستین گام در دست‌یابی به دریای آزاد از راه تنگه‌های دریای مدیترانه بود، در سر می‌پروراند. وی در پی این کوشش‌ها، آزوف را تسخیر کرد (۱۱۰۷ ق). این حرکت سرآغاز نبردی بود که طی یک سده، دریای سیاه را از زیر سلطهٔ عثمانی خارج کرد و آن را به صورت یک دریای روسی درآورد و امپراتوری عثمانی را از یک جهت به کلی دست‌خوش تهدیدی

به سرپرستی: حسن انوشه، دانشنامهٔ ادب فارسی، جلد ششم ـ تهران ۱۳۸۳
ادب فارسی در آناتولی و بالکان

Mustafa (II)

RAŞID, Mehmed. Extrait des Annales de l'empire ottoman: (1) Moustapha II, vingt-deuxième empereur des turcs; *Raschid T. I., page 204 et suiv.*, par T. Chabert. **Fundgruben des Orients** 1 (1809), 316-320.

20 AGUSTOS 1991

Mustafa (II)

2732 ARTUK,I. & ARTUK,C. Die Münzen des osmanischen Sultans Mustafa II. *Actes du 9ème Congrès International de Numismatique, Berne...1979.* Vol. II. *Proceedings of the 9th International Congress of Numismatics, Berne...1979.* Ed. T.Hackens & R.Weiller. Louvain; Luxembourg: Association Internationale des Numismates Professionnels, 1982, pp.989-996

18 OCAK 1993

Mustafa (II)

MUSTAFA II, Sultan of the Turks. Munājāt, by Iqbālī [Gibb I, 418;] metrical translation by E. J. W. Gibb. **Turkish literature**, p. 130.

18 AGUSTOS 1991

12 EKİM 1993

2947 MAJER, Hans Georg, 'The Harem of Mustafa II, 1695–1703' (Turkish Sultan). *Osmanli Arastirmalari* (Istanbul, Turkey), Vol.12, 1992, pp.431–44

Mustafa II

MUSTAFA II

5326 GÖTZ,M. Gesetz (*qānūn-nāme*) in der Form eines Erlasses (*fermān*) Sultan Muṣṭafās II. (1695-1703) von der 1. Dekade Reğeb 1106 / 15.-24. Februar 1695 an die *sanğaq-begs* und Kadis des Wilajets Anatolien. *Gottes ist der Orient, Gottes ist der Okzident: Festschrift für Abdoldjavad Falaturi zum 65. Geburtstag* hrsg. U.Tworuschka. Cologne: Böhlau, 1991 (Kölner Veröffentlichungen zur Religionsgeschichte, 21), pp.575-640 [Incl. facsimile of the Ottoman Turkish document & German translation.]

MUSTAFA II

ABOU-EL-HAJ, R.A. The narcissism of Mustafa II (1695-1703): a psychohistorical study. *SI* 40(1974), pp. 115-131.

II. Mustafa'nın kendini beğenmişliği (1695-1703): Bir psikolojik-tarihi inceleme

-EI², VII 05 EKIM 1992 — Mustafa Z

origins of the poetry in Muslim tradition literature, forthcoming in the *Ewald Wagner Festschrift*; idem, *Analysing* isnāds *in* ḥadīth *and* akhbār *literature*, in I. Conrad (ed.), *History and historiography in early Islamic times: studies and perspectives*, Princeton 1992.

(G.H.A. JUYNBOLL)

AL-MUSTAḌĪʾ BI-AMR ʾLLĀH, ABŪ MUḤAMMAD AL-ḤASAN, ʿAbbāsid caliph (566-75/1170-80), born on 23 Shaʿbān 536/23 March 1142, son of al-Mustandjid [*q.v.*] and an Armenian slave named Ghaḍḍa. After his father's death on 9 Rabīʿ II 566/20 December 1170, al-Mustaḍīʾ succeeded him, and at the beginning of the following year was formally recognised as caliph in Egypt also, which passed into the hands of the Ayyūbids at this time [see FĀṬIMIDS]. The assassins of al-Mustandjid soon quarrelled among themselves. ʿAḍud al-Dīn [*q.v.*], whom al-Mustaḍīʾ had been forced to make vizier, was dismissed by 567/1171-2 at the instigation of the *amīr* Ḳaymaz. In Dhu 'l-Ḳaʿda 570/May 1175, Ḳaymaz was about to attack the treasurer Ẓāhir al-Dīn b. al-ʿAṭṭār, but the latter fled to the caliph, whereupon Ḳaymaz began to besiege the palace of the latter. Al-Mustaḍīʾ appealed to the people to help him; the house of Ḳaymaz was pillaged, and he himself fled but died soon afterwards, and ʿAḍūd al-Dīn again became vizier. Al-Mustandjid already had quarrelled with Shumla, lord of Khūzistān. In 569/1173-4 a war broke out between the latter's nephew Ibn Shankā and al-Mustaḍīʾ; Ibn Shankā was soon taken prisoner and put to death. The insignificant al-Mustaḍīʾ died on 2 Dhu 'l-Ḳaʿda or, according to another statement, at the end of Shawwāl 575/end of March 1180 and was succeeded by al-Nāṣir [*q.v.*].

Bibliography: Ibn al-Athīr, ed. Tornberg, xi, 237 ff.; Ibn al-Ṭiḳṭaḳā, *al-Fakhrī*, ed. Derenbourg, 428-33; Kutubī, *Fawāt al-wafayāt*, ed. Cairo, i, 137-8, ed. I. ʿAbbās, i, 370-2; Ibn Khaldūn, *al-ʿIbar*, iii, 525 ff.; Ḥamd Allāh Mustawfī Ḳazwīnī, *Taʾrīkh-i Guzīda*, ed. Browne, i, 367-9; Weil, *Gesch. d. Chalifen*, iii, 337-63; Bundārī, in Houtsma, *Recueil de textes relatifs à l'histoire des Seldjoucides*, ii, 304; Le Strange, *Baghdad during the Abbasid caliphate*, 87, 195, 260, 280; H. Mason, *Two statesmen of mediaeval Islam*, The Hague-Paris 1972.

(K.V. ZETTERSTÉEN)

MUSTADJĀB KHĀN BAHĀDUR, NAWWĀB, thirteenth son of the celebrated Rohilla leader Ḥāfiẓ al-Mulk Ḥāfiẓ Raḥmat Khān (1707-74) and author of a biography of his father, which he wrote in Persian under the title *Gulistān-i Raḥmat*. Ḥāfiẓ Raḥmat Khān, who was an Afghān of the tribe of Yūsufzāy by descent, had been since 1161/1748 a chief in Rohilkhand (Kafahr) and throughout his life waged a bitter warfare with the Marāṭhās. He fell in 1188/1774 in a fight at Mīrānpūr Katra where he was fighting against the combined forces of the Nawwāb of Oudh (Awadh [*q.v.*]) Shudjāʿ al-Mulk and the English. Warren Hastings' act in supporting the Nawwāb with English troops became the subject of a judicial investigation in the English Parliament. Mustadjāb Khān's book describes Ḥāfiẓ Raḥmat Khān as a fine representative of Afghān chivalry and contains much of value for studying the relations between the individual Afghān tribes.

Bibliography: There is an abbreviated English translation of the *Gulistān-i Raḥmat* by Ch. Elliott, *The life of the Hafiz ool-moolk, Hafiz Rehmut Khan, written by his son the Nuwob Moost'ujab Khan Buhadoor and entitled Goolistan-i Rehmut*, London 1831; H. Hamilton, *The East-India gazetteer*², London 1828, ii, 468; *Imperial gazetteer of India*, London 1908, xx, 138, xxi, 307-8; Storey, i, 696-7. (E. BERTHELS)

MUṢṬAFĀ I, the fifteenth Ottoman sultan (1026-7/1617-18 and 1031-2/1622-3), was born in the year 1000/1591 as son of Meḥemmed III [*q.v.*]. He owed his life to the relaxation of the *ḳānūn* authorising the killing of all the brothers of a new sultan, and was called to succeed his brother Aḥmed I [*q.v.*] at the latter's death on 23 Dhu 'l-Ḳaʿda 1026/22 November 1617. But his weakmindedness —which is said to have him made escape death on account of superstitious fear of Aḥmed— made him absolutely incapable of ruling. Aḥmed's son ʿOthmān, who felt himself entitled to the succession, had little difficulty in procuring Muṣṭafā's deposition in a meeting in the Imperial *Dīwān*, by the *ḳïzlar aghasï*, the *muftī* and the *ḳāʾimmaḳām*, the grandvizier Khalīl Pasha [*q.v.*] being absent. This happened on 1 Rabīʿ I 1027/26 February 1618.

Unexpectedly, Muṣṭafā I was again called to the throne when, on 8 Radjab 1031/19 May 1622, the rebellion of the Janissaries broke out against ʿOthmān II [*q.v.*]. He was taken by force from his seclusion in the ḥarem and the Janissaries forced the *ʿulamāʾ* to acknowledge him as sultan. The next day ʿOthmān was killed and until June the grand vizier Dāwūd Pasha, the man responsible for the murder, remained in power. Then he was deposed by the *wālide*. The real masters were the Janissaries and Sipāhīs; several grand viziers were nominated and deposed again at their pleasure. The Sipāhī party began, after some time, to exact vengeance for ʿOthmān and in January 1623, when Gürdjü Pasha [*q.v.*] was grand vizier, Dāwūd Pasha was killed. Soon the Janissary party came again to influence under the grand vizier Mere Ḥuseyn Pasha (3 Rabīʿ 1032/3 February 1623). The latter succeeded in maintaining himself until 23 Shawwāl/20 August; then the general feeling amongst the *ʿulamāʾ* and the people, combined with the steadily growing opposition in the provinces against the tyranny of the military in the capital, as manifested by the action of Sayf al-Dīn-oghlu in Tripoli and still more by the revolt of Ābāza Pasha [*q.v.*] in Erzerūm, brought about Mere Ḥuseyn's deposition. The new grand vizier, Kemānkesh ʿAlī Pasha [*q.v.*], together with the *muftī*, deposed the sultan on 15 Dhu 'l-Ḳaʿda 1032/10 September 1623 and called Aḥmed's son Murād to the throne as Murād IV [*q.v.*].

During all his reign, Muṣṭafā had continued to give signs of his complete mental aberration; he died in 1638 and was buried in the Aya Sofya. The only important international act that took place during his reign was the peace concluded with Poland in February 1623.

Bibliography: The Turkish sources for this period are the historical works of Naʿīmā, Ḥādjdjī Khalīfa (*Fedhleke*), Pečewī, Ḥasan Bey-zāde and Ṭūghī. Contemporary reports in the *Memoirs* of the English envoy Sir Thomas Roe. See further the general historical works of von Hammer, Zinkeisen and Jorga; A.D. Alderson, *The structure of the Ottoman dynasty*, Oxford 1956, index s.v.; S.J. Shaw, *History of the Ottoman empire and modern Turkey*, i, Cambridge 1976, 190-1, 193-4; R. Mantran (ed.), *Histoire de l'empire ottoman*, Paris 1989, index s.v.; *İA*, art. s.v. (A. Münir Aktepe).

(J.H. KRAMERS)

MUṢṬAFĀ II, the twenty-second Ottoman sultan (1106-15/1695-1703), was a son of Meḥemmed IV [*q.v.*].

Born in 1664, he succeeded to his uncle Aḥmed II on Djumādā II 1106/6 February 1695, at a time when the empire was at war with Austria, Poland, Russia and Venice. The new sultan in a remarkable *khaṭṭ-i sherīf* proclaimed a Holy War and carried out, against

hazırlanmamış olması adada yaşayan Müslüman ve Gayrımüslim reayanın hukukî durumlarını tesbit etmemize imkan sağlamamaktadır. Bozcaada'da başlatılan bu tahrir tarzı sonraları daha da mükemmelleştirilerek özellikle Ege Adalarında devam ettirilmiştir. Bu yazım tarzı tüm imparatorluk genelindeki tahrirlerde timar sistemindeki köklü değişikliğe paralel olarak görülen yapılanmayla alâkalı olduğu kadar, devletin Ege Adaları'ndaki malî uygulamalarıyla da yakından ilgiliydi. Girit Adası'nın 1670 yılında yapılan tahriri, tamamen arazi sayımını içermektedir. Bu tarihte ada reayasından alınan bütün örfî vergiler kaldırılarak, vergilendirmede ellerindeki toprak mikdarı esas alınmıştır. Ayrıca şer'î bir vergi olan cizyede de önemli değişiklikler yapılmıştır. Buna göre reaya ekonomik durumları itibarıyla zengin, orta halli ve fakir olarak üçe ayrılmış ve cizyeleri buna göre tahsil olunmuştur. Böylece cizyenin tahsilinde toplu vergilendirme yerine şahsî vergilendirme usûlü getirilmiş oluyordu. Buradaki amaç cizyenin fıkıh kitaplarında belirtilen şekliyle şer'î uygunluğunu sağlamaktı. Bütün bu uygulamalar, Kadızâdeliler hareketinin önemli temsilcilerinden olan Vanî Mehmed Efendi'nin Sadrazam Fazıl Ahmed Paşa ve Padişah IV. Mehmed üzerindeki tesirlerinden kaynaklanmaktaydı. Girit'teki bu cizye uygulaması 1691'de tüm imparatorluk genelinde tek bir sistemi oturtma ve aynı şer'î gayeyle cizye reformu adı altında bütün Osmanlı memleketlerinde uygulanılmıştır. İlk örneklerinden biri Bozcaada'da görülen bu tahrir geleneği, Osmanlı Devleti'nin Ege Adaları'nda oturtmaya çalıştığı malî uygulamalarla yakından alâkalıydı ve Adalar'da giderek yaygınlaştırılmıştır.

Türklük Araştırmaları Dergisi – 20, İstanbul 2008, ss. 223-250

D142

II. MUSTAFA'NIN AVUSTURYA SEFERLERİNDE RUSÇUK ŞEHRİ VE LİMANI'NIN ÖNEMİ[1]

MEHMET TOPAL
(Osmangazi Üniversitesi, Eskişehir)

21 Şubat 2008 MÜFİT YÜKSEL KÜTÜPHANESİ

Sultan II. Mustafa 6 Şubat 1695 yılında tahta çıktığı zaman Osmanlı Devleti İkinci Viyana bozgunundan sonra peşpeşe gelen yenilgilerle ziyadesiyle yıpranmıştı. Bu sırada devlet adamlarından bazıları bu harp sürecine son vermek arzusunda idiler. Genç ve idealist bir yapıya sahip Sultan ise, bu düşüncede olanları hayal kırıklığına uğratacak bir çıkış yaparak, yenilgilerin seleflerinin zaafından kaynaklandığını, kendisine zevk ve safanın haram olduğunu ve niyetinin ceddi Kanuni Sultan Süleyman gibi sefere çıkmak olduğunu ifade etmiştir.[2] Vezir-i azam Ali Paşa'nın

> *'Padişahların hareketine nukûd beş on bin kîse akçe mevcûd bulunmalıdır. Her vechile îrâd masrafı korutmayup ulûfe virmeğe kudretimiz yok. Memleket harâb, re'âyâ berbâd olmuşdur.Mîrî mal tedârüküne tahsildârlar bile âcizdir. Bu yıllık Âsitâne'de râhat olup ben kulun serdarlık ile gideyim, sene-i âtiyede gereği gibi mühimmât-ı edevât görülüp hareket buyurmanız ma'kûldür' demesi üzerine Sultan'IN; 'Bana ağırlık ve hazîne lâzım değil, mahallinde kuru ekmek yirim. Vücûdum dîn-i mübîn uğruna bezl iderim, her ne denlü meşakk dahi olur ise sabr ü tahammül iderim.*

Türkiye Diyanet Vakfı Kütüphanesi İslâm Araştırmaları Merkezi İstanbul

1 Eskişehir Osmangazi Üniversitesi Bilimsel Araştırma Projeleri Komisyonu tarafından desteklenmiştir.

2 Uşşâkîzâde es-Seyyid İbrahim Hasîb, *Uşşâkîzâde Târihi*, c. I, haz. Raşit Gündoğdu, İstanbul 2005, 176; Sırrî Efendi, *Târih-i Sultan Mustafa Hân-ı Sânî*, Reşit Efendi Ktb., nr. 992, s. 298-b; İ. H. Danişmend, *İzahlı Osmanlı Tarihi Kronolojisi*, c. III, İstanbul 1971, 477; Cengiz Orhonlu, "Mustafa II" *İslam Ansiklopedisi (İA)*, c. VIII, Milli Eğitim Bakanlığı (MEB), İstanbul 1979, 695.

Mustafa Oll

THE 1703 REBELLION AND THE STRUCTURE OF OTTOMAN POLITICS

by

RIFA'AT ALI ABOU-EL-HAJ

Türk ... Vakfı
İslâm ... polisi
...phanesi

Kayıt No : 10618

Tasnif No. : 956.0731
ABO.B

ERÜ



NEDERLANDS HISTORISCH-ARCHAEOLOGISCH INSTITUUT
TE İSTANBUL
1984

Acta Viennensia Ottomanica: Akten des 13. CIEPO-Symposiums (Comite International des Etudes Pre-Ottomanes et Ottomanes) vom 21. bis 25. September 1998 in Wien; Herausgegeben Von Markus Köhbach, vd. ; Wien 1999, pp. 121-127. İSAM 145573

06 EKİM 2006
...İSTANBUL ... KÜTÜPHANESİ
...ARAŞTIRMA ... DOKÜMANTASYON

II. Mustafa'nın Avusturya Seferi (1695) ile İlgili bir Fetih-nâme: *Feth-i Lipova ve Muhârebe-i Lugoş*

TURAN GÖKÇE (İzmir)*

Osmanlı tarih ve edebiyat araştırmalarında, yer yer "*gazâ-nâme, gazâvat-nâme*" ve "*zafer-nâme*" gibi kavramlarla da ifâde edilmiş olan "*fetih-nâme*"[1], biri *belge*, diğeri de *mufassal eser* olmak üzere iki anlam ifâde etmektedir[2].

Osmanlı diplomatiğinde, "*nâme-i hümâyun*" grubunda yer almakla berâber, yabancı devlet başkanları ve vasallar yanında, memleket dâhilindeki ileri gelen beylere de gönderilmesi bakımından diğerlerinden ayrılan "*fetih-nâme*", bir belge olarak, seferden hemen sonra gerçekleştirilen fethin ülke dâhilinde ve dost ülkeler nezdinde *tebşîr*, düşman devletler nezdinde de *tehdîd* bâbından îlânı için kaleme alınmış olan mektupları ifâde etmektedir[3]. Önemine binâen münşeat mecmualarında ayrı bir yer verilmiş olan[4] fetih-nâmeler, diplomatik açıdan on beş rükün ihtivâ etmektedirler. Bunların, tebliğe konu olan örnekte de görüleceği üzere kısmen mufassal fetih-nâmelere de yansımış olması sebebiyle kısaca belirtilmesi yararlı olacaktır. Buna göre, "*Allah'a hamd Peygamber'e salât*" ve tebânın idâresi ile zulmün önlenmesinin pâdişâhın en mühim vazîfelerinden olduğuna dâir âyet, hadis ve sâir *kelâm-ı kibâr*la süslü *mukaddime* kabîlinden bir bölümle başlayan fetih-nâmelerde, düşmanın tenkil sebebi, pâdişâhın hareketi, askerin çokluğu, düşmanın durumu ve cesâreti, harbin tavsîfi, düşmanın mağlubiyeti, Allah'a şükür, düşman ülkesinin zaptı ve zaferin îlânı ile ilgili cümlelerden sonra kiminle gönderildiği belirtilmektedir. Sonunda ise fetih-nâmeye konu olan zaferden dolayı pâdişâhın memnûniyetinin beyânı ve yeni zaferler için duâ ve temennîler yer almaktadır[5].

Bu tebliğin esas konusunu teşkil eden örneğin de dâhil olduğu *mufassal fetih-nâmeler* ise, genellikle fetihden hemen sonra resmî hüviyeti hâiz bir görevli veya devrin meşhur edib ve şâirlerinden birisi tarafından telif edilmiş olan eserlerdir. Bunlar da müellifin donanım ve kâbiliyeti nisbetinde, yukarıda zikredilmiş olan *nâme-i hümâyûn* şeklindeki fetih-nâmelerde olduğu gibi, gâyet mutantan ifâdelerin yer aldığı ağdalı bir üslûpla mensur veya manzum olarak ya da tebliğ konusu olan örnekte de olduğu gibi, yer yer manzum parçaların da serpiştirildiği nesirler halinde kaleme alınmışlardır. Osmanlı tarih yazıcılığına dâir araştırmalarda, İslâm edebiyatındaki "*megâzî*" geleneğinin de etkisiyle, daha başlangıçtan itibaren yaygın bir şekilde ortaya konulmuş olan

* Yrd. Doç. Dr. Ege Üniversitesi Türk Dünyası Araştırmaları Enstitüsü Öğretim Üyesi, İzmir-Türkiye.

[1] Bkz. AGAH SIRRI LEVEND, *Gazavat-nameler ve Mihaloğlu Ali Bey'in Gazavat-namesi*, Ankara 1956,s.1-4.

[2] G. L. LEWIS, "Fathname", *Encyclopedia of Islam*, II, s. 839-40; HASAN AKSOY, "Fetihnâme", *Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi*, 12, s.470.

[3] MÜBAHAT KÜTÜKOĞLU, *Osmanlı Belgelerinin Dili (Diplomatik)*, İstanbul 1994, s.159; MARIA PIA PEDANI-FABRIS, "Ottoman Fetihnames: The Imperial Letters Announcing A Victory", *Tarih İncelemeleri Dergisi* XIII (İzmir 1998), s. 181-182; CHRISTINE WOODHEAD, "Ottoman Historiography on the Hungarian Campaigns: 1596 The Eger Fethnamesi", *CIEPO Osmanlı Öncesi ve Osmanlı Araştırmaları Uluslararası Komitesi VII. Sempozyumu (Peç: 7-11 Eylül 1986) Bildirileri* (Yay. Haz. J. L. BACQUÉ-GRAMMONT, İ. ORTAYLI, E. DONZEL), Ankara 1994, s. 469.

[4] Bkz. AHMED FERİDUN BEG, *Münşeatü's-Selâtîn*, I-II, İstanbul 1849.

[5] M. KÜTÜKOĞLU, *aynı eser*, s. 159-160; İSMAİL HAKKI UZUNÇARŞILI, *Osmanli Devletinin Saray Teşkilatı*, Ankara 1984, s.288-289.

08 MAYIS 2009
MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Kay.: *TDEA* 6/456; *TGDEİS* s. 305; *TN* 2/963 (3994); *TŞ/HÇ* 2/904-906; *ZE* (NOSK 3723), v. 102. ⇨M. CUNBUR

MUSTAFA (?-1608): Mutasavvıf şair. Bursa'da doğdu. Şeyh Mehmed Üftâde Efendinin oğludur. Üftadezâde sanıyla tanındı. Bursa'da vefat etti ve babasının türbesine gömüldü. Şiirine örnek Beliğ'in vefiyat kitabındadır.

Kay.: *GRİVDN* s. 111; *TN* 2/961 (3980). ⇨Yaz. Krl.

MUSTAFA (17. yy.): Nazım. Koloğlu Mustafa Efendi diye tanındı. **Eseri:** *Manzum Mesâbih Tercümesi.*

Kay.: *OM* 1/146; *TN* 2/963 (3995). ⇨Yaz. Krl.

MUSTAFA (17. yy.): Tabip şair. Mustafa Çelebi diye anılıp Çavuşzâde sanıyla anıldı. Şiirine örnek *Kafzâde Tezkiresi*'ndedir.

Kay.: *TN* 2/964 (4002), *ZE* (NOSK 3723), v. 104. ⇨Yaz. Krl.

MUSTAFA II (5.6.1664-8/9.1703): Hükümdar şair ve hattat. İstanbul'da doğdu. Sultan 4. Mehmed ile Rabia Gülnûş Sultanın oğludur. Hocası Seyyid Feyzullah Efendi. Babasıyla Lehistan Seferine gitti. Kimi kaynaklarda taraftarlarınca, kimi kaynaklarda toplanan ıstişare meclisinin oybirliğiyle aldığı kararla 7.2.1695'te tahta çıkarıldı. Devrinde Sakız adası Venediklilerden alındı. Venediklilerle Mora için ve Hersek yakınlarında savaşıldı. Padişah Avusturya Seferine çıktı. 21 Eylül 1695'te bir zafer kazanıldı. Lippa, Logos gibi kaleler fethedildi. 1696, 1697'de Avusturya üzerine iki sefer daha yapıldı. Zenta'da sadrazam başta olmak üzere 20 kumandanın şehit olması padişahı müteessir etti, orduyu Tamaşvar'a çekti ve Avusturya seferlerinin sonucu olarak 1699'da Karlofça Barışı imzalandı. Uzun süren savaş iktisadî bozukluklara sebep olmuş, sancak beylerinin ordu saflarında bulunması sonucu yöneticisiz kalan bazı şehirlerde isyanlar görülmüştür. Bu arada Azak kalesi Ruslar tarafından işgal edilmiştir. Şeyhülislâmlığa getirdiği ve çok güvendiği Feyzullah Efendinin tahakkümü düzeni daha da bozdu. Tahttan indirilen padişah İstanbul'da vefat etti. Babasının Yeni Cami'deki türbesine gömüldü. Şiirlerinde İkbâlî ve Meftûnî mahlaslarını kullandı. Sülüs, celi,nesih hatlarda usta bir hattattı. Silah kullanmada, ok atmada yetenekli, orta boylu, kızıl sakallı heybetli görünüşüne rağmen halim-selim bir kişiydi. Devrindeki olaylar Silahdar Mehmed Ağa'nın Nusretnâme'sinde teferruatıyla anlatılmıştır.

Kay.: *AT* 4/65; *İA* 9/695-700; *KÂ* 6/4310; *KŞ* s. 18; *LTC* 6/272; *MN* s. 110, 402; İ. H. Uzunçarşılı, *Osmanlı Tarihi,* Ank. 1951, 1856. 31/568-607, 41/1-46; *SO* 1/79; *TGDEİS* s. 225; *TDEA* 4/349; *TN* 1/49-50 (180); *TŞ/S* s. 58; *VSMR* s. 37. ⇨Yaz. Krl.

MUSTAFA, bk. **MUCÎB (1671/2-2.6.1727)**

MUSTAFA (?-1749 ds.): Tarih yazarı. İstanbul'da doğdu. Dâyezâde sanıyla tanındı. Bir süre eğitim gördükten sonra devlet hizmetine girdi, Rumeli Eyaleti Defterdarlığı kethüdalığına kadar yükseldi. 1749'da hacca gitti. Ölüm tarihi bilinmemektedir. **Eserleri:** *Şerrü'l-Vesvas fi Hayli't-Tahmas,* Kars kalesinde yazdığı bu eserde Kızılbaş isyanını anlattı. *Câmi'ü'n-Menâsık li'r-Râgıbi'n-Nâsık,* hac yolculuğu sırasında yazdı. Selimiyye yazması SK Esad Ef.nu.2283'te bulunan bu eseri 1743'te Kars'ta yazmağa başladı. 1749'da Mekke'de tamamladı. Edirne Sultan Selim Camiinin vasıflarından bahsettiği bu eserinde Selimiye Camiinin kubbesinin Ayasofya'dan büyük olduğunu ispatlamaya çalıştı.

Kay.: *OM,* 1975, 3/46; F. Babinger, *Osmanlı Tarih Yazarları ve Eserleri,* çev. C. Üçok, 1962); *SO* 4; *TDEA* 4/456. ⇨M. CUNBUR

MUSTAFA, bk. **HATTÎ (?-1760)**

MUSTAFA III. (1.1717-21.1.1774): Hükümdar şair. İstanbul'da doğdu. Sultan 3. Ahmed'le Mihrimah Sultanın oğludur. Vaktini okumakla geçirdiği,özellikle yıldızbilim edebiyat ve tıpla meşgul olduğu bilinmektedir. 30.11.1757'te tahta çıktı. Memleketi huzur ve refaha kavuşturmak azminde idi. Muktedir bir devlet adamı olan Sadrazamı Koca

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 MART 2009